



جواد نوائیان رودسری

info@khorasannews.com

آذرماه سال ۱۳۴۱ بود که طرح رژیم شاه برای تصویب و اجرای قانون انجمن های ایالتی وولایتی، باهوشیاری امام خمینی (ره) و همراهی مردم و جمعی از علما، با شکست روبه‌رو شد. اسدا...علم، نخست وزیر وقت، طی تلگرافی در تاریخ هفتم آذرماه سال ۱۳۴۱، رسماً لغو مصوبه انجمن های ایالتی وولایتی را اعلام کرد، اما این همه ماجرا

تاریخ

شرحی از مبارزه امام خمینی(ره) با لویح شش گانه شاه

قیام علیه اصلاحات آمریکایی

نبود. پیش از تصویب قانون انجمن های ایالتی وولایتی و همزمان با روی کار آمدن «جان. اف. کندی» رئیس جمهور دموکرات آمریکا و بالا گرفتن جنگ سرد، آمریکایی ها به این نتیجه رسیده بودند که باید در کشور های متحد خود تغییراتی ایجاد و از نفوذ کمونیسم جلوگیری کنند. آنها نام این تغییرات را «اصلاحات» گذاشته به آن عنوان «اتحاد برای پیشرفت»(Alliance for Progress) داده بودند؛ اما در واقع، هدف اصلی ایالات متحده، محکم کردن پایه های نفوذ خود در کشورهای مختلف جهان، از طریق تثبیت رژیم های وابسته در این کشورها بود. اگر چه «علی امینی» به عنوان نخست وزیری متمایل به آمریکا، اجرای این اصلاحات را در ایران بر عهده داشت اما شاه توانست موافقت آمریکایی ها را برای کنار گذاشتن «امینی» وروی کار آوردن «علم» به دست آورد و در بهار سال ۱۳۴۱، این موضوع را عملی کند. «بروادیر اهامیان»، در کتاب «ایران بین دو انقلاب»، می نویسد: «[امینی] نتوانست هنگامی که بر سر موضوع ضرورت کاهش بودجه نظامی با شاه درگیر بود، پشتیبانیان آمریکا را به دست آورد. به این ترتیب، ایالات متحده، نه برای نخستین بار، در برابر یک نخست وزیر اصلاح گر، جانب شاه را گرفت. «شاه» پس از آن کوشید با اجرای طرح هایی مانند لایحه انجمن های ایالتی وولایتی، نشان دهد که همسو با سیاست های آمریکا حرکت می کند

انسانی منسجمی در ایران داشتند و نه شناخت دقیقی از بافت قدرت در ایران؛ اما با اجرای اصل چهار تا حدودی اصلی است که موجب عقب ماندگی ایران در طول دوران پهلوی شد. رهبر انقلاب در این باره چنین می فرماید: «یک کشوری که با توجه به استعداد خود، با توجه به زمینه های طبیعی و انسانی خود، با توجه به جایگاه جغرافیایی خود – که اگر به نقشه جهان نگاه کنید، توجه می کنید که ایران در چه نقطه حساسی قرار دارد – با توجه به ذخایر زیر زمینی خود، باید یکی از پیشرفته ترین و یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیا باشد، در دوره حکومت های قاجاری و بعد پهلوی، تبدیل شد به حکومت عقب افتاده دست نشانده فقیر ضعیف توسری خور. این، در تاریخ ما اتفاق افتاد. گناهی به گردن کیست؟ در درجه اول به گردن آن زمامداران فاسد و بی کفایت است، که وابسته هم شدند؛ وقتی سلیبی نمین، کارشناس و پژوهشگر تاریخ معاصر گفت وگویی داشته است که در پی می آید.

ایران اولین کشوری بود که در منطقه غرب آسیا مشمول اصل چهار ترومن شد و «هنری گردی» پس از انتصاب رزم آرا به نخست وزیری، به ایران آمد. جنابعالی نقش و مسئولیت مستشاران آمریکایی را در برنامه ریزی های کوتاه مدت و بلند مدت رژیم پهلوی (تغییر برنامه های هفت ساله، سه ساله و انقلاب شاه و مردم...) چگونه از پای می کند؟

بحث اصل چهار ترومن به دورانی بازمی گردد که ابتدای سلطه طلبی آمریکا در ایران بود. اصل چهار ترومن به آمریکایی ها کمک می کرد که در آغاز نسبت به رقیب خودشان، انگلیس، شرایط نامطلوبی نداشته باشند. انگلیسی ها توانسته بودند بعد از کودتای ۱۲۹۹، ساختار اداری متناسب با خودشان را در ایران ایجاد کنند؛ اما آمریکایی ها چندان اشرافی بر نظام اداری ایران و البته بر مدیران و شا کله سیاسی و اجتماعی ایران نداشتند. از همین رو، آمریکایی ها به بخشی از کارمندان ایرانی که در اصل چهار مشارکت داشتند، دو برابر حقوقشان پول می دادند که همه اسناد اداره را برای آمریکایی ها به نوبی، کپی برداری کنند و در اختیار آمریکایی ها قرار دهند. اصل ترومن به آمریکایی ها کمک می کرد تا عقب افتادگی فاحش خود را نسبت به انگلیسی ها در عرصه استعمار و استثمار، کاهش دهند. آمریکایی ها نه شبکه نیروی

چهل و پنجاه، در پناه حمایت های دولت، چه کسانی بودند؟

زمانی که آمریکایی ها در جنگ ویتنام شکست خور دند، دکتربن جددیدی شکل گرفت که بر اساس آن، ریکمهری ها حضور فیزیکی کمتری در نقاط استراتژیک جهان پیدا کردند و این مسئولیت را به قدرت های محلی دادند و قدرت های محلی، به عنوان ژاندانم آمریکا در منطقه عمل می کردند. در خاور میانه، شاه به عنوان ایفاننده این نقش مشخص شد. لذا در آن چار چوب، بنادش که قیمت نفت به شدت افزایش پیدا کند تا از طریق افزایش قیمت نفت، هزینه سیاست های جدید تأمین شود. نکته ای که اینجا بسیار حائز اهمیت است، این است که قبل از افزایش قیمت نفت، زمانی که آمریکایی ها می خواستند کمک مالی کنند، بررسی می کردند و بر فساد در بار تأکید داشتند و معتقد بودند که این کمک ها، اصلاً به آن اهداف مدنظر نمی رسد

جناب آقای دکتر صماحی

ریاست محترم اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان رضوی
اقدامات ارزشمند جناب عالی را در راستای **فرهنگ سازی در زمینه کاهش آلودگی هوا** ارج نهاده و با تبریک انتصاب **جناب آقای مهندس بشم چی** به عنوان **معاونت محترم فنی آن سازمان** موفقیت روزافزون شما و همکاران ارجمندتان را آرزومندیم.
ش. ۱۵۳۱۵۳۹۱/۱۳۹۱
پارک علمی یرفسور باز نما

جناب آقای مهندس احمد علی موبتی

انتصاب حضرت تعالی را به عنوان فرماندهی انتظامی شهرستان تربت حیدریه تبریک عرض می نماییم. امید است در پناه ایزد منان در پیشبرد اهداف، بیش از پیش موفق و موید باشید.

مجموعه شرکتهای فجر
ظاهر علی حسن زاده
ش. ۱۵۳۱۵۳۹۱/۱۳۹۱

اجتماعی محروم گردیدند. معلوم نیست چرا آن وقت این عمل «غیر قانونی» بود، و امروز قانونی است!» اشاره امام(ره) به ماجرای همه پرسی مورد نظر دکتر مصدق، برای واگذاری اختیار انحلال مجلسین به نخست وزیر بود که بعدها، در زمان محاکمه وی، دادگاه نظامی آن را رفتاری غیر قانونی و مستحق مجازات دانست. موضوع دیگری که امام خمینی (ره) از آن به عنوان دلیلی بر غیر قابل قبول بودن همه پرسی مورد نظر شاه یاد کرد، عجله او برای تصویب خواسته هایش بود. امام(ره) در این باره نوشت: «در ممالکی که فراندوم قانونی است، باید به قدری به ملت مهلت داده شود که یک [به یک مواد آن مورد نظر و بحث قرار گیرد و در جراید و وسایل تبلیغاتی، آرای موافق و مخالف منعکس شود و به مردم برسد؛ نه آن که به طور مبهم، با چندرؤ و فاصله، بدون اطلاع ملت، اجرا شود.» ایشان پس از وارد کردن اشکالات شکلی به همه پرسی لویح شش گانه مورد نظر شاه، اشکالی اساسی و ماهوی نیز به آن وارد کرد و خطاب به پرسش کنندگان نوشت: «اساسا پیش آوردن رفراندوم، م برای آن است که تخلفات قانونی قابل تعقیب و انکش امام خمینی (ره) و مردم روبه رو شد. امام(ره) که می دانست موضوع ایجاد تغییرات و تصویب لویح مورد نظر شاه، در واقع چراغ سبز به سیاست های منطقه ای آمریکاست، ابتدا کوشید مسئله بر گزار ی همه پرسی را بر مبنای قوانین آن دوره بررسی و باطل بودن آن را ثابت کند. ایشان در نامه تاریخی خود، در پاسخ به پرسش «جمعی از متدینین تهران» درباره «تصویب ملی» یا همان همه پرسی لویح مورد نظر شاه، نوشت: «در قوانین ایران رفراندوم پیش بینی نشده و تا کنون سابقه نداشته، چیزی که مرتبه، آن هم از طرف «مقاماتی غیر قانونی» اعلام شد و به جرم شرکت در آن جمعی گرفتار شدند و از بعضی حقوق

■ مخالفت با همه پرسی
اتخاذ این تصمیم، آن هم کمتر از دو ماه پس از شکست رژیم در ماجرای لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، با انکش امام خمینی (ره) و مردم روبه رو شد. امام(ره) که می دانست موضوع ایجاد تغییرات و تصویب لویح مورد نظر شاه، در واقع چراغ سبز به سیاست های منطقه ای آمریکاست، ابتدا کوشید مسئله بر گزار ی همه پرسی را بر مبنای قوانین آن دوره بررسی و باطل بودن آن را ثابت کند. ایشان در نامه تاریخی خود، در پاسخ به پرسش «جمعی از متدینین تهران» درباره «تصویب ملی» یا همان همه پرسی لویح مورد نظر شاه، نوشت: «در قوانین ایران رفراندوم پیش بینی نشده و تا کنون سابقه نداشته، چیزی که مرتبه، آن هم از طرف «مقاماتی غیر قانونی» اعلام شد و به جرم شرکت در آن جمعی گرفتار شدند و از بعضی حقوق

گفت و گو

جمعی مردم ساده دل اغفال شده اجرا کنند. علمای اسلام وظیفه دارند هر وقت برای اسلام و قرآن احساس خطر کردند، به مردم شلیم گوشزد کنند تا در پیشگاه خداوند متعال مسئول نباشند. از خداوند متعال حفظ قرآن مجید و استقلال مملکت را خواهانیم.» افزون بر امام(ره) که با شجاعت، به تخطئه ماهیت اقدامات رژیم پهلوی پرداخت، بسیاری از گروه ها و شخصیت های مبارز و مخالف رژیم نیز در برابر طرح این همه پرسی، به شدت موضع گیری کردند و برخی از آنها، مانند زنده یاد آیتا... طالقانی، به اثر همین مخالفت، به زندان های طولانی مدت محکوم شدند. با وجود این مخالفت ها، شاه اعلام کرد که همه پرسی، روز ششم بهمن ماه ۱۳۴۱، برگزار خواهد شد. او روز چهارم بهمن ماه، راهی شهر قم، کانون اصلی مخالفت ها علیه لویح شش گانه شد، اما با فرمان امام(ره)، تمامی بازارها تعطیل شد و شهر در اعتصاب کامل فرو رفت. شاه که انتظار چنین واکنشی را نداشت، در سخنرانی پیش از بازگشت خود، به انتقاد از مخالفان پرداخت و به علما توهین کرد. روز ششم بهمن، همه پرسی قیامی شاه برگزار و اعلام شد که مردم به لویح مورد نظر رژیم، رأی داده اند. با وجود این، شاه تصمیم گرفت به مخالفان، به ویژه علما و روحانیان، شدت عمل بیشتری نشان دهد؛ تصمیمی که جافعه روز دوم فروردین ماه سال ۱۳۴۲ را رقم زد و عوامل رژیم، به لباس مدبل و با حمایت کامل شهریار، به مدرسه فقیهیه حمله کردند و ده ها نفر از طلاب را به شهادت رساندند. مخالفت امام خمینی (ره) با لویح شش گانه را می توان سرآغاز مبارزه علنی آن رهبر نستوه با استبداد محمدرضاشاهی نامید؛ مبارزه ای که با قیام خونین ۱۵ خرداد، تجسم عینی یافت و ۱۵ سال بعد، در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷، طومار رژیم پهلوی را در هم پیچید.



تحت نفوذ آمریکا می کرد هم، مؤید این ماجرا بود؛ از پاکستان گرفته تا اسرائیل و برخی کشورهای آفریقایی. معمولاً کمک ها بلا عوض بود و بعضاً، موجب تحقیر ملت ایران می شد. اسدا... علم در خاطراتش می گوید که روستاهای ما از ابتدایی ترین امکانات برخوردار نیستند، برق نداشتند، آب نداشتند، بهداشت نداشتند، هیچ چیزی نداشتند. حتی در سال های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ شهرها بزرگ هم دچار مشکلات جدی بودند. برق در تهران تا هشت ساعت قطعی داشت. علم می گوید: من خودم موتور برق تهیه کرده بودم و این وضعیت قابل دوام نخواهد بود. مردم راهی جز انقلاب نخواهند داشت. در خاطراتش از وضعیتی که رقم می خورد، احساس نگرانی جدی می کند. بااین حال، شاه در سفر به لندن یک میلیون پوند به فضالاب لندن و نیم میلیون پوند به باغ وحش لندن کمک می کند. این رفتار شاه در واقع احساس تحقیر را برای ملت ایران رقم می زد. شاه نگران حیوانات باغ وحش لندن بود، اما نگران ملت ایران نبود. «دیرستان ها در تهران چهار شیفته شده بودند. به عوض اینکه از افزایش قیمت نفت استفاده کنیم و مثلاً مدرسه و دانشگاه بسازیم، پول ها را خرج مصارف بیبوهه می کردند و در سال ۱۳۵۶ دبیرستان های تهران چهار شیفته کار می کردند. چهار شیفته، یعنی عملاً هیچ آموزشی نداشتیم».

محمدرضا پهلوی در اوپسین روز های اقتدار خود در ایران، خطاب به وزیر خزانه داری وقت آمریکا (در دوران ریاست جمهوری کارتر) گفت: «ار نشی در دست شما بود. اقتصاد مملکت را خودتان برنامهریزی می کردید. ساواک را خودتان و اسرائیل تأسیس کردید. پلیس را دولت جنابعالی تربیت می کرد. چیزی نبود که من از شما پنهان کرده باشم. حال هم نباید همه شکست های تان را به گردن من بیندا ید.» بنابر این شاهد آن هستیم که با وجود نزدیکی رژیم پهلوی به جریان غرب و به ویژه آمریکا، باز هم ایران نتوانسته به یک کشور توسعه یافته تبدیل شود. علت آن چه بود؟

مصدق می گوید رژیم ها یا مردمی اند یا وابسته. آن رژیم هایی که وابسته اند، بین خدمتگزار ی به بیگانه و مردم، در تعارض هستند. اگر بخواهند به ملت خدمت کنند، قدرتی که آن ها را روی کار آورده است، فشار می آورد و اگر بخواهند دائم در خدمت بیگانه باشند، ملت در برابر آن ها طغیان می کند. شاه حتی در زمان افزایش قیمت نفت هم نمی توانست در خدمت ملت ایران باشد و به گونه ای عمل کند که از این افزایش قیمت، مردم ایران بهره ای نبرند؛ چرا که باید توقعات بیگانگانی که او را سر

خبرسان روزنامه صبح ایران یکشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۵، ۲۳ ربيع الثاني ۱۴۳۸، شماره ۱۹۴۵

سیاستمدار دوره پهلوی و نمونه امین الدوله، وزیر مظفر الدین شاه قاجار و مشهور به مخالفت با مشروطه بود. او پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، وزیر اقتصاد کابینه زاهدی شد. امینی، مسئولیت مذاکرات قرارداد نفتی کنسر سیوم را بر عهده داشت و بعدها، در دوره نخست وزیری، مجری اصلاحات ارضی شد؛ اما شاه که از امینی بیگناک بود، با هماهنگی آمریکایی ها او را کنار گذاشت.

گفت و گو



حرف وعمل نواب، یکی بود

دکتر احمد خلیلی دانشمند نامدار ایرانی و استاد زبان‌شنسته دانشگاه سوربن پاریس، خواهرزاده مرحوم آیت‌ا... سید ابوالقاسم کاشانی و از شاهدان عینی نهضت ملی شدن صنعت نفت است. وی به لحاظ از نزدیکی و حضور، با بسیاری از فعالان این رویداد تاریخی، از جمله شهید نواب صفوی آشنایی داشته است. دکتر خلیلی، در گفت‌وگویی با پایگاه اطلاع‌رسانی «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران»، بخشی از خاطرات خود را درباره رهبر فداییان اسلام شرح داده است که در پی می‌آید.

شما از حلقه‌ی سید مجتبی نواب صفوی آشنا شد ی‌د؟

من از دو طریق او را می‌شناختم. یکی از طریق بستنی‌وادی که در مجلس داشتیم و منشی کمیسون‌های کشاورزی و امور خارجه بودم و او را مکرر می‌دیدم. او گاهی به مجلس می‌آمد و با نمایندگان صحبت می‌کرد.

با آنها چه حرف‌هایی می‌زد؟

با آنها جر و بحث می‌کرد که چرا در قانون‌گذاری جرأت به خرج نمی‌دهند و به احکام اسلامی بی‌توجه هستند. گاهی هم بحث را از اتاقی که برای استراحت نمایندگان در نظر گرفته بودند، به صحن و سرسرای مجلس می‌کشاند! البته درود به آنجا برای غیر نمایندگان ممنوع بود، ولی او اعتماد به نفس عجیبی داشت و این نوع ممنوعیت‌ها، نمی‌توانست مانع او شود. می‌آمد و با نهایت شهامت حرفش را می‌زد. طریق دوم هم، حضورش در منزل آیت‌ا... کاشانی بود. خُلق و خوی آیت‌ا... کاشانی طوری بود که هر کسی که کمترین گرایش و علاقه‌ای به مبارزه با استعمار داشت، خود به خود جذب ایشان می‌شد. مرحوم نواب هم بعد از این که از نجف بر گشت، با ایشان آشنا شد.

بنابر این می‌توان گفت که آیت‌ا... کاشانی به شهید نواب صفوی علاقه و اعتماد کامل داشت. این طور نیست؟

همین‌طور است. آیت‌ا... کاشانی، مرحوم نواب صفوی را قبول داشت. به همین دلیل هم عوامل رژیم سعی می‌کردند با شایع‌پراکنی رابطه این دو را تیر و تار کنند. در این باره خاطره‌ای را نقل می‌کنم: بعد از روی کار آمدن مصدق، مرحوم نواب صفوی اعلامیه شدید الحنن را علیه او صادر کرد و مصدق هم دستور داد ایشان را دستگیر کنند. بعد هم بعضی از وزرای دولت، از جمله شمس الدین امیرعلایی، در بین مردم شایع کردند که نواب صفوی به توصیه آیت‌ا... کاشانی دستگیر و زندانی شده و یا حداقل این که ایشان، به این کار راضی بوده است! یک روز همز راه آیت‌ا... کاشانی به منزل مرحوم مفید، از تاجر بزرگ بازار تهران و بانی بیمارستان کودکان مفید رفتم. ایشان علاقه زیادی به آیت‌ا... کاشانی داشت. آنجا بودیم که امیرعلایی هم آمد. آیت‌ا... کاشانی با لحن بسیار تند ی به او اعتراض کرد که: «چرا این سید را گرفته و از آن بدتر شایع کرده‌اید که این کار را به خواست من انجام داده‌اید؟ حتی اگر او به مصدق اعتراض هم کرده باشد تا زمانی که دست به اقدامی نزده است، مجرم نیست و نباید او را متعرض سویی دیگر، فضای سیاسی ایران را می‌بندند؛ کند که آیت‌ا... کاشانی عصبانی شد و سبلی محکمی اوز داد! جالب اینجاست که با این همه امیرعلایی بلند نشد و بروه و این‌طور وانمود کرد که موضوع مهمی نیست. خودم شاهد این ماجرا بودم. البته امیرعلایی بعد از انقلاب قضیه سبلی خوردن را انکار کرد. بعد از انقلاب مرحوم مفید برای معالجه به لندن آمده بود و به عیادتش رفتم. این خاطره دقیقاً به یادش بود و از آن ذکر ی به میان آورد.

پس از سال‌ها که از شهادت نواب صفوی می‌گذرد، او را چه ویژگی‌هایی به یاد می‌آورید؟

انسان بسیار جدی و قاطعی بود و این را حتی از طرز حرف زدنش هم می‌شد فهمید. بسیار صادق بود و دقیقاً بر اساس اعتقاداتش عمل می‌کرد و حرف و عملش یکی بود. انسانی بی‌غل و غش، صادق و صریح بود. به همین دلیل، انسان تکلیفش را با او می‌دانست، برخلاف خیلی‌ها که شخصیت چندگانه دارند و شناخت آنها تا آخر عمر هم میسر نیست.

امیر سر قیپ علی جهانشاهی

بدینوسیله ارتقاء درجه جنابعالی به **سرتیپ تمامی** که بدستان مبارک مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا تصایب گردید همچنین انتصاب شایسته شما به عنوان **معاون هماهنگ کننده نژا** که نشان از درایت، شجاعت و شایستگی ست به شما و خانواده محترم تبریک گفته، رواء و ثناء دارم در پرتو الطاف الهی و ائمه اطهار (ع) آن صفات برجسته تداوم خواهد داشت.

دکتر محمد علی جلالیان

ش. ۱۵۳۱۵۳۹۶/۱۳۹۱

سفارش اینترنتی آگهی

www.37010.ir

سفرارش ۲۴ ساعته / پرداخت آنلاین / **۵٪** تخفیف مازاد در نیاز مندیها

CMYK

ش. ۱۵۳۱۵۳۹۰/۱۳۹۱

